

سبقت‌گرفتن

استادانه

همانند یک استاد یاد بگیرید!

جواب سوالات پایان فصل کتاب اخلاق اسلامی محمد داوودی

فهرست مطالب

۲	فصل اول: کلیات
۵	فصل دوم: مبانی اخلاق اسلامی
۷	فصل سوم: فضیلت های اخلاقی ایمانی
۱۴	فصل چهارم: فضیلت های اخلاقی اجتماعی
۲۱	فصل پنجم: آشنایی با برخی رذایل اخلاقی

۱ اخلاق چه نقشی در زندگی انسان دارد؟

روح انسان مانند جسم او سلامت و بیماری دارد. سلامت روح در گرو آراسته بودن آن به صفت های پسندیده و بیماری روحی نیز ناشی از تاثیر صفت های ناپسند در آن است. توانایی تشخیص خوب از بد و زشت از زیبا در گرو سلامت روحی انسان و تهذیب نفس از آلودگی هاست. انسان در صورتی می تواند از توانایی درک حقایق و تشخیص خوب از بد، برخوردار باشد که افزون بر داشتن سلامت جسمی، از سلامت روحی نیز برخوردار باشد. آرامش انسان در زندگی نیز در گرو سلامت روحی اوست. بیماری های روحی مانند؛ حسادت، خود بزرگ بینی، کینه ورزی، و کفر به خدا، نیز سکون و قرار را از روح انسان می را باید. نشاط و شادابی زندگی اجتماعی انسان تا حد زیادی در گرو اخلاقی زیستن افراد است. در جامعه ای که اصول اخلاقی رعایت می شود، زندگی اجتماعی از نشاط برخوردار است و جامعه به راحتی می تواند به اهداف مورد نظر خود در ابعاد اقتصادی و سیاسی برسد.

۲ علم اخلاق را تعریف کنید؟

علم اخلاق علمی است که صفت های نفسانی خوب و بد (فضایل و رذایل) و اعمال و رفتار اختیاری خوب و بد و نیز شیوه تحصیل صفت های نفسانی خوب (فضایل) و انجام اعمال پسندیده و شیوه ی دوری از صفت های نفسانی بد (رذایل) اعمال ناپسند را بیان می کند.

۳ علم اخلاق با چه علومی ارتباط دارد. چگونگی این ارتباط را توضیح دهید؟

از سوی دیگر علم اخلاق با برخی علوم دیگر مانند: فلسفه اخلاق، تعلیم و تربیت، و روانشناسی، نیز رابطه نزدیکی دارد.

علم اخلاق و علم حقوق:

این دو علم هر دو از علوم عملی اند و گزاره های آنها تجویزی است، اما با این همه تفاوت هایی نیز دارند که در اینجا برخی از آنها را به اختصار بیان می کنیم.

نخست: که دستاورد علم حقوق که به صورت قانون عرضه می شود ضمانت اجرای بیرونی دارد؛



دوم اینکه علم حقوق عهده‌دار وضع قوانینی است که روابط اجتماعی مردم را در این دنیا نظم می بخشد، از این رو به رفتارهای فردی انسانها و رفتارهای آنها در ارتباط با خدا و تنظیم این رفتارها توجهی ندارد؛ سوم آنکه هدف نهایی اخلاق این است که انسان را به کمال شایسته انسانی برساند، اما هدف حقوق تنها تأمین مصالح دنیوی افراد جامعه است و به مساله معنوی آنها توجهی ندارد

۱. علم اخلاق و فلسفه اخلاق:

گزاره های مورد بحث در علم اخلاق از نوع گزاره های ناظر به باید (گزاره های تجویزی) هستند، حال آنکه گزاره های فلسفه اخلاق گزاره هایی اند ناظر به وقایع و هست ها (گزاره های توصیفی) بنابراین فلسفه اخلاق با علم اخلاق دو تفاوت اساسی دارد: نخستین که در فلسفه اخلاق، مفروضات علم اخلاق بررسی می شود و دیگر آن که گزاره های آن توصیفی است.

۲. علم اخلاق و تعلیم و تربیت:

هدایت بعد اخلاقی انسان به سوی رشد و کمال، در علم اخلاق و تعلیم و تربیت مشترک است و اخلاق جزئی از تعلیم و تربیت به شمار می رود.

با این همه، علم اخلاق و تعلیم و تربیت از دو جهت با یکدیگر تفاوت دارند: نخست آنچه علم اخلاق ضمن بیان چگونگی تخلق انسان اخلاق نیکو، خود را عهده دار بیان صفات و رفتارهای پسندیده و ناپسند نیز می داند، در حالی که تعلیم و تربیت به تبیین این موضوع نمی پردازد، بلکه این مقوله از اصول موضوعه آن است.

دوم: آنکه تعلیم و تربیت تنها عهده دار رشد و کمال اخلاقی انسان نیست، بلکه به دیگر ابعاد انسان مانند بعد علمی، حرفه ای و دینی نیز نظر دارد و سعی می کند انسان را در این زمینه ها نیز به کمال برساند. بدین ترتیب رابطه این دو علم، رابطه عموم و خصوص من وجه است.

۳. علم اخلاق و روانشناسی:

روانشناسی، هم شامل گزاره های توصیفی است و هم شامل گزاره های تجویزی. در مقابل علم اخلاق تنها شامل گزاره های تجویزی است بدین بیان که تنها به ما می گوید چه صفت ها و رفتارهای خوب است و با استفاده از چه روش هایی میتوان آنها را در انسان ایجاد کرد.

از سوی دیگر روانشناسی، رفتارهای انسان در حیطه های مختلف مانند رفتارهای اخلاقی، دینی، علمی، عاطفی و زیستی انسان را مطالعه کرده، از آن برای بهبود رفتارهای انسان در این زمینه ها بهره می جوید. اما علم اخلاق تنها به مطالعه بعد اخلاقی انسان و رشد و هدایت آن می پردازد.

بنابراین قلمرو روانشناسی از دو منظر وسیع تر از علم اخلاق است: نخست آنکه در روانشناسی همه ابعاد وجودی انسان بررسی می گردد؛ در حالی که در علم اخلاق تنها به بعد اخلاقی انسان پرداخته می شود.

